

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ بعد از امضای توافق سه‌جانبه بکن در ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ طیفی از جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای سعی کردند با نگاه بین خطی این اتفاق را یک توافق تمام‌آسیایی و به‌حاشیه‌رفتن ایالات متحده آمریکا از تحولات منطقه‌ای

و همچنین پیروزی بدون برجام معرفی کنند تا عنوان شود که تهران توانسته بدون عبور از مسیر احیای برجام، روابط قطع‌شده هفت‌ساله خود با عربستان سعودی را مجدداً احیا کند. اما تا چه اندازه این دو گزاره (توافق تمام‌آسیایی و پیروزی بدون برجام) می‌تواند نزدیک به واقعیت باشد؟ آیا به واقع ایالات متحده آمریکا با میانجیگری چین بین ایران و عربستان از تحولات خاورمیانه و به‌ویژه حوزه خلیج فارس کنار رفته است؟ آیا با وجود آنکه تهران و ریاض بدون مشخص شدن سرنوشت مذاکرات هسته‌ای به سمت احیای روابط دوجانبه رفتند لزوماً به این معناست که احیای برجام دیگر اهمیت و اولویتی در سیاست خارجی نخواهد داشت؟ این سوالات و پرسش‌های مشابه در گفت‌وگو با فرشید باقریان به گونه تحلیل رفته است تا آ آینده مذاکرات هسته‌ای بعد از توافق تهران – ریاض به شکل جزئی‌تر و مصداقی‌تری بررسی شود.

◆ **جناب باقریان شما از آن دست کارشناسانی هستید که خود را دشمن ازلی و ابدی برجام و همچنین طرفدار سوسخت داشتن سلاح هسته‌ای می‌دانید. پس برای سؤال اول به این نکته ورود کنیم** که بعد از احیای روابط ایران با عربستان سعودی و پالس مثبت برخی کشورها مانند بحرین، مصر و اردن و نهایتاً بهبود مناسبات منطقه‌ای تهران بسیاری این تصور را پیدا کرده‌اند که اکنون تهران بدون احیای برجام و توافق با اروپا و آمریکا توانسته است به دستاوردهای مهمی در عرصه سیاست خارجی دست پیدا کند. پیرو این نکته هم برخی جریان‌های رسانه‌ای و سیاسی داخلی از توافق تمام آسیایی و پیروزی بدون برجام یاد می‌کنند. این در حالی است که باید به این واقعیت غیرقابل انکار اشاره کرد اگرچه احیای روابط ایران و عربستان گامی مثبت در سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود، اما احیای برجام و حل‌وفصل مناقشات مربوط به پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران کماکان اولویت و اولیت سیاست خارجی ایران است. حال به باور شما احیای روابط ایران با کشورهای عربی منطقه می‌تواند گزینه آلترناتیوی برای احیای برجام باشد؟

اول اینکه باید موضوع بهبود روابط ایران و کشورهای عربی منطقه‌ای را از مقوله برجام جدا کنیم. دوم اینکه من احیای روابط ایران و عربستان را از احیای برجام مهم‌تر و بزرگ‌تر می‌دانم.

◆ **به این موضوع خواهیم پرداخت که چرا احیای روابط ایران و عربستان را احیای برجام مهم‌تر و بزرگ‌تر می‌دانید، ولی عجبانه چرا باید بهبود روابط ایران و کشورهای عربی منطقه‌ای را از برجام جدا کرد؟**

واضح است شما دارید خلط میبخت می‌کنید. این دو موضوع اصلاً ارتباطی با هم ندارند.

◆ **اولا سؤال من لزوماً به معنای ارتباط این دو موضوع با همدیگر نیست. من پرسیدم به نظر شما احیای روابط ایران با کشورهای عربی منطقه می‌تواند آلترناتیوی برای احیای برجام باشد.** در تالی اساساً تمام مباحث و موضوعات حوزه سیاست خارجی به همدیگر ارتباط دارند؛ غیر از این است؟!

من برای روشن‌نگری بیشتر عنوان کردم که نباید این شبهه را در سؤال شما داشت که احیای روابط ایران و عربستان ارتباطی با احیای برجام دارد. از سوی دیگری این شبهه نیز مطرح است که سیاست خارجی ایران در هفته‌های پایانی منتهی به ۱۴۰۲ دچار تغییر و تحولات جدی شد که من این را هم شدیداً رد می‌کنم.

◆ **اگر پایان تنش هفت‌ساله با عربستان و احیای روابط با ریاض، «تغییر» نام ندارد، باید اسمش را چه گذاشت؟**

هماهنگی، ببینید وقتی برایند نیروها در عرصه میدانی، سیاسی و دیپلماتیک تغییر پیدا می‌کند باید سیاست خارجی هر کشوری بنا بر اقتضانات زمانی و مکانی در لحظه خود را هماهنگ کند تا بیشترین نتیجه را به دنبال داشته باشد. در غیر این صورت میزان شکستگی و نیز هزینه و به تبعش اصطکاک سیاسی و دیپلماتیک برای آن کشور افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل وقتی ما به تحولات شش ماه اخیر در کشور و همچنین سیر تحولات در منطقه نگاه می‌کنیم، هم عربستان سعودی و هم جمهوری اسلامی ایران با توجه به برایند جدید نیروها سعی کردند بر اساس اقتضانات زمانی و مکانی و با استفاده از یک بازیگر هم‌وزن به سمت احیای روابط دوجانبه پیش روند.

◆ **همین جا توقف کنیم؛ چون با جمله شما مخالفم. اتفاقات ششش ماه اخیر در ایران، عربستان را به سمت احیای روابط با ایران سوق داد؟!**

اشتباه برداشت نکنید، یکی از تحولات به این موضوع برمی‌گردد، وگرنه من در مجموع تحولات منطقه‌ای را پارانماتر ها و عواملی می‌دانم که در کل تهران و ریاض را به سمت احیای روابط کشاند و سبب شده تا…

◆ **نکنه بسیار مهم این است که اگرچه باید از احیای روابط تهران و ریاض دفاع کرد، ولی با توجه به فضای حساس و احساسی هفت ماه اخیر به نظر می‌رسد این تصمیم به ناچار و از روی اجبار برای تهران مطرح شد؟**

دو واژه کلدی را در سؤال مطرح کردید که باید اصلاح شود. نخست آنکه موضوعی به نام احساس در سیاست خارجی و دیپلماسی وجود ندارد. اتفاقاً اگر ای تصمیم‌گیری احساسی در میان باشد و به آن خُرده گرفت، باید به هفت سال پیش برگشت؛ چون تصمیم احساسی با همان حمله هفت سال پیش به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد صورت گرفت و تصمیم عاقلانه در اسفند سال گذشته و در پکن با احیای روابط با عربستان گرفته شد. در ضمن در سیاست خارجی چیزی به نام اجبار و ناچاری وجود ندارد. ما باید از واژه درست به نام «ضرورت» استفاده کنیم.

◆ **بازی با کلمات است، نه این احساس یا نقل، ضرورت یا اجبار تفاوتی در واقعیت‌ها نمی‌کند؟**

خیر. ببینید به هر حال مجموعه‌ای از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، معیشتی و امنیتی در هفت ماه گذشته، ضرورت احیای روابط با عربستان را برای تهران پرتنگ‌تر کرد که…

◆ **از سر ناچاری به سمت احیای روابط با عربستان برود…**

◆ **گویا سر عناد یا مناسبات منطقه‌ای ایران دارید؟**

◆ **به‌هیچ‌وجه، اتفاقاً به‌شدت از آن استقبال می‌کنم. مسئله و پرسش من این است که این بهبود مناسبات منطقه‌ای یک سوم‌محاسبه جدی را در داخل شکل داده و مسیر غلطی را ترسیم کرده‌است. به همین دلیل از پاسخ به سؤال نخست ظفره‌رفتید. همین جا این سؤال را بپرسم که آیا ذیل تبیینتان برای تمایز بین ضرورت و ناچاری ایران در احیای روابط با عربستان، آیا شاهد شکاف یا دوگانگی سیاست خارجی ایران بین سایر مجموعه‌ها و دولت بودیم؟**

بگذارید پاسخ پرسشش قبلی را تکمیل کنم. همان‌طور که گفتم در سیاست خارجی چیزی به نام اجبار و ناچاری وجود ندارد، بلکه ضرورت‌هاست که تعیین می‌کند کشورها چه سیاسی‌تر داشته باشند. اینجا باید توجه داشت که «قطعاً ضرورت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برای احیای روابط با همدیگر از یک جنس نیست»، اما مطمئن باشید به همان اندازه که تهران به این برقراری روابط نیاز داشت، ریاض هم ضرورت‌های خود را داشته است. من وقتی می‌گویم احیای روابط ایران و عربستان رفت بهبود مناسبات منطقه تهران بزرگ‌تر از احیای برجام است، به عنوان گزینه و سناریوی آلترناتیو احیای توافق هسته‌ای به آن نگاه نمی‌کنم، بلکه از حیث مقیاس به موضوع نگاه می‌کنم. چند روز پیش اخبار را شنیدید، عربستان و ایران به سمت برقراری پروازهای

ادامه از صفحه ۲

فعلاً جز چند موضع گیری سیاسی چیزی نیست

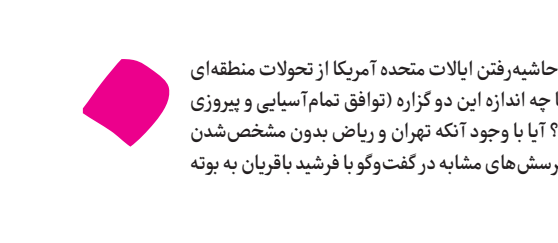
…جریانی که حاضرند منابع و دارایی‌های ایران با تخفیف

ویژه و به ثمن بخش توسط دیگر کشورها به تاراج برود تا سود خود را از تحريم‌ها داشته باشند، کمااینکه در حوزه فروش نفت، گاز، پتروشیمی و معادن شاهد هستیم که برخی چه



بررسی احیای رابطه تهران با ریاض در گفت‌وگو با فرشید باقریان

توافق با عربستان یک پیروزی بدون برجام است



◆ **توانست، اما این گزاره لزوماً به معنای نادیده‌گرفتن اهمیت برجام نیست که اگر غیر از این باشد و تصور کنیم تهران با بهبود مناسبات عربی خود توانسته از زیر فشار جامعه جهانی در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای خارج شود قدری خام‌اندیشی و خوش خیالی است؛ اینجاست که من هم دوباره تکرار می‌کنم که سر عناد با احیای روابط ایران و عربستان ندارم، اما به شرطی که درچار سوم‌محاسبه نشویم و …**

به نکته شما خواهیم پرداخت، ولی بگذارید پاسخ قبلی را تکمیل کنم. علاوه بر آنچه گفتم، شما به نقطه قبل از اسفند ۱۴۰۱ بازگردید؛ امکان مناقشه تهران با لیک عربی، تداوم جنگ‌های نیابتی، فرسایشی شدن برخی مناقشات در یمن، سوریه، لبنان، عراق… و وجود داشت؛ اکنون هیچ‌کدام از اینها دیگر وجود ندارند. کافی است هزینه‌ای را که تا قبل از این روی تمام موضوعات پاشیده می‌شد، در سفره مردم سرشکن کنیم. پس همین الان هم به نسبت زیادی هزینه تهران کم شده است. اکنون عربستان به سمت صلح دائمی با یمن پیش رفته و تا همین الان هم چند مرحله تبادل اسرا صورت گرفته است. در کنار آن تلاش ریاض برای بازگرداندن دمشق به اتحادیه عرب و جهان عرب هم وجود دارد. پس می‌بینید هزینه انسانی، لجستیکی، نظامی، امنیتی، دفاعی و به تیج آن هزینه اقتصادی و اصطکاک سیاسی و دیپلماتیک برای تهران به شکل چشمگیری کاهش پیدا کرده، اگرچه هنوز به دفع نسبی رسیده است.

◆ **به چه دلیل صرف‌نشده است؛ پای اسرائیل در میان است؟**

دقیقاً. مناقشه ایران و اسرائیل پابرجاست و با قوت هم ادامه پیدا خواهد کرد. در این شرایط طبیعی است که هزینه‌ای از جانب تهران صورت گیرد.

◆ **حالا به سؤال مهمی که تاکنون پاسخ ندادید برسیم. اهمیت و اولویت احیای برجام در سیاست خارجی ایران با ازسرگیری ربوط تهران– ریاض کان نام لیک بکن خواهد شد؟ آیا ایران با بهبود مناسبات عربی خود توانسته از زیر فشار جامعه جهانی در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای رها شود؟ جناب باقریان شما دیدید که سسال گذشته دو اتفاق مثبت در حوزه سیاست خارجی یعنی سفر گروسی به تهران و توافق تهران و آژانس و همچنین احیای روابط ایران و عربستان چه تأثیر مثبت، ولو موقت و روانی‌ای روی بازار ارز گذاشت. البته در عین حال همین موقست و گذرا بودن تأثیرات مثبت نشان داد که چالش‌های حوزه اقتصادی و معیشت ایران تا چه حد عمیق است که رخدادهای مثبت این‌چنینی هم نمی‌تواند به تنهایی چاره کار باشد. آیا این نشان نمی‌دهد که ضرورت احیای برجام حتی به رغم احیای روابط ایران و عربستان کماکان پابرجاست؟**

من با نکته شما کاملاً موافقم از این جهت که چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی ایران عمیق است تا جایی که با خبردرمانی در حوزه سیاست خارجی درمان نمی‌شود. اگر تأثیرات مثبتی هم از حوزه دیپلماسی در اقتصاد وجود دارد کاملاً موقت، زودگذر و روانی است. اما جناب فتح‌اللهی در پاسخ به تکیدات چندباره شما این را باید بگویم که «راه‌حل هرچه باشد، چاره کار احیای برجام نیست». از این جهت است که من از همان ابتدا دشمن ابندی و ازلی بی‌برجام بودم؛ چون برجام یک مسیر را در سیاست خارجی به تهران تحمیل کرد تا جایی که اگر امروز مسیری غیر از آن را برگزینیم بحران پشت بحران در سیاست خارجی ایران ایجاد می‌شود. اگر قبل از دولت روحانی به سمتی پیش می‌رفتیم که برجامی شکل نمی‌گرفت و این مسیر به ما تحمیل نمی‌شد، امروز دولت رئیسی یا هر دولت دیگری هم بر بنا به ضرورت در همان مسیر دولت بازدهم و دوادهم گرفتار نمی‌شد.

◆ **همین جا با شما مشکل دارم؛ این مسیری بود که قبل از دولت روحانی حتی در دولت احمدی‌نژاد با مذاکرات محرمانه در عمان شکل گرفت که…**

ولی نتیجه آن برجام نبود؛ بود؟!

◆ **خیر، اما دولت روحانی علی‌رغم تمام انتقاداتی که به برجام وجود دارد، حداقل یک راه‌حل، راهکار و مسیری را طی کرد که به توافق سال ۲۰۱۵ منجر شد و…**

و تاکنون ایران در آن گرفتار است و نمی‌تواند از آن خارج شود؛ چون اگر به ابعاد مختلف برجام نگاه کنیم، می‌بینید که این مسیر را دولت روحانی تحمیل کرد. فارغ از اینکه دونالد ترامپ با خروج از برجام شرایط کنونی را ایجاد کرد و مضافاً تعلل‌ها و تاخیرهای دولت باین را هم به آن اضافه کنیم و …

◆ **و در کنار آن فرصت‌سوزی و همراهی دیپلماتیک دولت سیزدهم با روسیه را هم مزید بر علت بدانیم. عدم احیای برجام تاکنون به عنوان استخوان لای زخم در سیاست خارجی ایران مانده است که موجب شده تا …**

فرض محال که محال نیست؛ اقای فتح‌اللهی فرض کنید همین الان برجام احیا شد، چه اتفاقی روی می‌دهد؟ مطمئن باشید هیچ.

◆ **به جای خوبی رسیدیم. من هم معتقدم برجام آورده اقتصادی جدی ندارد؛ چراکه از یک سو بخش عمده‌ای از تحريم‌ها که قرار بود با احیای برجام کنار گذاشته شود، اکنون به بهانه جنگ اوکراین و همچنین برخی تحولات داخلی در هفت ماه گذشته علیه نهاده‌ا، ارگان‌ها، مقام‌ها و شخصیت‌ها اعمال شده‌است، پس با احیای برجام طیف عمده تحريم‌ها کنار گذاشته نمی‌شود. در تالی حتی اگر برجام احیا شود، فضای رانگی در بخش‌هایی از اقتصاد اجازه نمی‌دهد که سود آن مستقیماً منوجه مردم شود. ولی وزیر امور خجای برجام که در مصاحبه با شما چندین بار روی آن تأکید داشتیم، به موضوع امنیتی بازمی‌گردد. متأسفانه منتقدان برجام صرفاً روی بعد اقتصادي برجام تأکید دارند و می‌گویند برجام حتی**

در طول حیات دوساله خود آن‌گونه که روحانی می‌گفت آورده تجاری نداشت و به تیج آن ابعاد مهم دیگر توافق هسته‌ای را نادیده می‌گیرند. باید متذکر شد تهران در این سال‌ها به نجوی عمل کرده است که برخلاف تصورش می‌تواند بالاتر از سیاهی رنگی باشد؛ چون شاید احیای برجام برای ما آورده تجاری و اقتصادی نداشته باشد و نهایتاً به آزادشدن برخی منابع بلوکه‌شده بانکی ما و چند توافق تجاری منجر شود. اما یقین بدانید احیاشدن برجام سایه مسائل امنیتی را بر روی موضوع پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران پرتنگ‌تر از قبل خواهد کرد. بادامان نژود برجام، ایران را از فصل هفتم منشور سازمان ملل خارج کرد. حالا تصور کنید که …

گفت‌وگو را به نقطه اوچش رساندید. تا همین جا این اشتراک نظر وجود دارد که برجام اگر همین امروز هم احیای شود، صرفاً در حد آزادشدن دارای‌های بلوکه‌شده ایران کارکرد دارد و تصور متحول‌شدن اقتصاد کشور با برجام سال ۲۰۱۵ خیال خام است؛ اما بگذارید جنبه اقتصادی آن را جمع کنیم تا به مسئله امنیتی برجام هم برسیم. علاوه بر نکاتی که شما به آن اشاره کردید و روی آن صحنه می‌گذارم، من معتقدم مشکل اقتصادی ایران عمیق‌تر از آن است که با سیاست خارجی بتوان درمانش کرد. ما یک اقتصاد تک‌محصولی وابسته به فروش نفت خام داشته و داریم. اقتصاد رانگی، نبود برنامه‌ریزی از سوی دولت‌ها فارغ از اینکه چه جریان سیاسی روی کار باشد و نیز ناهماهنگی و موازی‌کاری‌ها در کنار جزیره‌ای عمل‌کردن هر نهاد، ارگان و سازمانی باعث شده است که اکنون به معنای واقعی کلمه علم اقتصاد کنار گذاشته شود؛ همان‌گونه که توجهی هم به علم سیاست خارجی وجود ندارد و همه چیز در دیپلماسی به کلی‌گویی، ادعا، شعار و نظایر آن تقلیل پیدا کرده است. در همین دولت سیزدهم ما بعینه این مشکل را می‌بینیم. در کنار این نکات دوباره به فرض قبلی خودم بازگردم. فرض کنید برجام همین امروز احیا شود، چند میلیارد دلار به ایران بازمی‌گردد؟ مگر مجموعه دارایی‌های بلوکه‌شده ایران چند دلار است؟

◆ **حدود ۵۰ میلیارد دلار؟**

شما فرض کنید صد میلیارد دلار؛ حالا در کنار آن به رقم مبادلات تجاری کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نگاه کنید. عربستان حاضر است معادل پول‌های بلوکه‌شده ایران در داخل کشور ما سرمایه‌گذاری کند، به شرط آنکه دیگر خبری از جنگ‌های نیابتی، جنگ‌های فرسایشی و ناامنی در منطقه نباشد تا بتواند پروژه‌های کلان خود را اجرا کند. مضافاً چرا من دشمنمن ابندی و ازلی برجام هستم؛ چون ایران با چند لایه قانونی تحريم از یوترن، کانتاسا، داماتو و آپسا مواجه است. آیا برجام در همان دو سالی که روی پا بود، توانست این چند لایه تحريم ایران را بشکند؟

◆ **مسلماً خیر…**

پس مطمئن باشید جو باین‌د به نام احیای برجام قطعاً نمی‌تواند حتی بخشی از تحريم‌های یک لایه از این چند لایه را بشکند. تأکید جلدی دارم چنانچه این لایه‌های تحريمی لغو نشوند، هیچ تحريمی علیه ایران، چه با برجام و چه بدون برجام بی‌اثر نخواهد شد. تحريم‌ها به لایه و ثانویه با تحريم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای با تحريم اروپا و غیراروپا و سازمان ملل یا… تقسیم‌بندی نمی‌شوند، بلکه تحريم‌های اصلی همین لایه‌های تحريمی آمریکا هستند و اصلی‌ترین لایه‌ای که منجر شد برجام نافرجام یا خسارت محض شود، تلاش نکردن برای لغو این قوانین بود. بار دیگر می‌گویم تا زمانی که قانون منع سرمایه‌گذاری یعنی داماتو و قانون خرچه دلاری یا دوربرگردان موسوم به یوترن و قانون کانتسا لغو کامل نشوند، ما هیچ نفعی از برجام مشخصاً در حوزه تجاری نخواهیم برد.

◆ **در بُعد امنیتی چطور؟**

در بعد امنیتی، همان‌گونه که قبل‌تر هم شما به‌درستی اشاره کردید، حتی اگر ایران با احیای مناسبات عربی دیگر به فکر ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای نباشد و بهبود مناسبات منطقه‌ای را سناریو و گزاره آلترناتیو احیای برجام بداند، غرب و مشخصاً اروپا و آمریکا نمی‌گذراند تهران در مسیر خود حرکت کند، چرا؟! چون برجام یک سلسله وظایف و تعهدات هسته‌ای را برای ایران ذیل توافق سال ۲۰۱۵ تعریف کرده است که اکنون نه دولت رئیسی، بلکه جمهوری اسلامی ایران با هر دولتی مجبور است در همان ریل حرکت کند. اگر برجام از ابتدا نبود، ما در یک فضای دیگری قرار می‌گرفتم و این‌همه محدودیت و خسارت برای ما وجود نداشت. وقتی می‌گویم من دشمن من ازلی و ابدی برجام هستم، به همین دلیل است. ببینید اگر برجام نبود، مکانیسم ماشه‌ای نبود و در کنار آن چالش‌های امنیتی هم نبود و…

◆ **حتی اگر برجام هم نبود، فصل هفتمی بود که در سایه تداوم مناقشه امنی شاید به دست روی نکته خوبی گذاشتید. اینجا همان نقطه‌ای است که من جزّ طرفداران**

امنی شدن ایران هستم که ی…

◆ **آمنی شدن شه، طرفدار ساخت بمب اتمی؟!**

بله، طرفدار ساخت بمب و داشتن آن هستم، اما طرفدار استفاده از آن نیستم. حالا تصور کنید قبل از برجام و در همان سال‌های قبل از ۹۲، ایران به نقطه گزیز هسته‌ای می‌رسید؛ آیا الان موضوع پادمان، آن‌پی‌تی، آژانس، فشارهای شورای حکام و اقتضانات کنونی امنیتی مطرح بود یا خیر؟

◆ **من براینر موضع نیستم چطور طرفدار ساخت و داشتن بمب هسته‌ای در ایران هستید،**

◆ **اما طرفدار استفاده از آن نیستید. داشتن سلاحی که از آن استفاده نشود، به چه درد می‌خورد؟**

ببینید، داشتن بمب اتم اشتباه نیست؛ مثل ساختن و داشتن جاقو است که حرام نیست، اما وقتی برای اقل و آزاد مردم از آن استفاده می‌شود، حرام می‌شود. پس بمب اتم هم مانند سلاحی است که ضمن بازدارندگی می‌تواند ارتعاف میز ماشه ایران را در قبال هر طرفی، چه آمریکا، چه اروپا، چه آژانس، چه شورای حکام یا هر بازیگر دیگری بالا ببرد.

◆ **نگاه شما در دنیای عمل محلی از اعراب ندارد؛ مگر جامعه جهانی اجازه داده و می‌دهد که ایران به این نقطه برسد؟**

این دست ماست، نه جامعه جهانی که البته با برجام این هم از ما گرفته شد.

◆ **دوباره به دولت کلامی بازیگردیم. هرچند برای تک‌تک نکات شما حرف زیادی برای گفتن دارم، اما برای سؤال آخر از شما می‌پرسم شما به برجام و مسیری که دولت روحانی به تهران تحمیل کرد نقد دارید. اما به هر حال روحانی مسیری را بر اساس باور خود طی کرد و به برجام رسید ولی حضرت‌عالی و دیگر منتقدان، برجام را نقد می‌کنید. بدون آنکه راه‌حل جایگزینی را در عمل متصور باشند. گفتید که بدون شکستن لایه‌های قانونی تحريم ایران از یوترن تا کانتاسا، داماتو و آپسا هیچ تحريمی علیه ایران چه با برجام و چه بی برجام برداشته نمی‌شود؛ پس چطور به احیای روابط ایران و عربستان در حوزه اقتصادی دلخوش هستیم؟ اگر فرشید باقریان امروز وزیر امور خارجه ایران شود، چه کاری در حوزه سیاست خارجی خواهد کرد؟**

اگر من وزیر امور خارجه شوم، راه‌حل را در داخل جست‌وجو می‌کنم، نه در خارج. باید در گام اول یک اتحاد، انسجام و حمایت جدی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور شکل بگیرد که از مسیر تغییر و تحولات درونی می‌توانیم به این نقطه برسیم؛ چون وزن و توان جهانی‌زندی دیپلماتیک با تقویت حمایت داخلی به شکل جدی بالاتر رود و در این صورت می‌توان در سطح منطقه و فرامنطقه وارد عمل شد. در گام دوم قطعاً به مقوله سیاست خارجی و همچنین اقتصاد و تجارت از دریچه علمی ورود

خواهم کرد و به صورت مکرر و پی‌درپی با کارشناسان، تحلیلگران ناظران و چهره‌های نخبه دانشگاهی حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در ارتباط خواهم بود. ما باید دیپلماسی را به‌عنوان یک علم و در راستای تحقق منافع و امنیت ملی پی‌ریزی کنیم.

را سیاست تطمیعی می‌دانم تا سعودی‌ها به اهداف مورد نظر

خود در پایان دادن به جنگ یمن و دیگر مناقشات منطقه‌ای با استفاده از کارت ایران دست یابند. یعنی نوعی مدیریت تنش در راستای منافع عربستان سعودی از مسیر ایران توسط ریاض صورت گرفته که یک رفتار کاملاً طبیعی است. هر کشوری به دنبال استفاده حداکثری از تحولات و توافقات در راستای منافع خود است. بله، شاید با توجه به برخی مشکلات داخلی اکنون برای ایران اولویت منافع و مواهب اقتصادی و تجاری از دل

و FATF هم صورت بگیرد، می‌توان شاهد برون‌رفت کشور از بحران کنونی بود.

◆ **آیا چشم امید داشتن به مواهب تجاری از سوی تهران با برخی موضع‌گیری مقامات سعودی مانند سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری در ایران بدون توجه به برجام و تحريم‌های آمریکا را یک بلوف دیپلماتیک از جانب ریاض می‌دانید؟**

بله، این کاملاً واضح است. من موضع‌گیری برخی کشورهای عربی از جمله عربستان برای سرمایه‌گذاری در ایران

سهودهای کلانی را از تحريم به دست می‌آوردند. به واسطه حضور این دو طیف در داخل کشور بسیاری از دلسوزانی که درصدد یبگیری منافع و امنیت ملی هستند همواره در حاشیه قرار می‌گیرند و در عوض این جریان‌ها با به خطر انداختن منافع ملی و قربانی‌کردن آن پای منافع خود، کشور را در تحريم، تنش و انزوا قرار داده‌اند، با این وصف من باور دارم اگر رفتاری مشابه با آنچه در قبال عربستان صورت گرفت، درخصوص تحولات داخلی، جنگ اوکراین، مناقشه هسته‌ای